



بررسی تأثیر تعدیلگری اضطراب بر ارتباط میان کمالگرایی منفی، نشخوار فکری و تمایل به تقلب تحصیلی در دانش آموزان متوسطه اول با اختلالات یادگیری

دکتر محمد احمدپناه

هیئت علمی دانشگاه همدان

M1ahmad2000@gmail.com



MDOI-02-2026.0369

MNR-383-2-210151

فرانک صالحی

کارشناسی ارشد روانشناسی گرایش بالینی، دانشگاه آزاد سلامی واحد بوکان، بوکان، ایران

Salehi1377.faranak13@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: تقلب تحصیلی، یکی از چالش‌های اساسی نظام‌های آموزشی به شمار می‌رود که تحت تأثیر مجموعه پیچیده‌ای از عوامل شناختی و هیجانی شکل می‌گیرد. دانش آموزان مبتلا به اختلالات یادگیری به دلیل مواجهه مکرر با شکست‌های تحصیلی و سطوح بالای تنش روانی، آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به این رفتار ناسازگار دارند. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعدیل‌کننده اضطراب در ارتباط میان دو متغیر شناختی کمال‌گرایی منفی و نشخوار فکری با گرایش به تقلب تحصیلی در این گروه از دانش‌آموزان انجام شد.

روش پژوهش: این مطالعه از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری را تمامی دانش‌آموزان پسر و دختر دارای اختلالات یادگیری در مقطع متوسطه اول شهر بوکان در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ تشکیل می‌دادند. نمونه‌گیری به صورت در دسترس انجام شد و در نهایت ۲۰۰ دانش‌آموز وارد مطالعه شدند. برای گردآوری داده‌ها از چهار ابزار استاندارد شامل: پرسشنامه کمال‌گرایی منفی، مقیاس نشخوار فکری (نولن-هوکسما)، مقیاس اضطراب (برمنر و همکاران) و پرسشنامه گرایش به تقلب تحصیلی استفاده گردید. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه و تحلیل اثر تعدیل‌گری در نرم‌افزار SPSS انجام شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین کمال‌گرایی منفی و گرایش به تقلب تحصیلی، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. همچنین اضطراب با افزایش گرایش به تقلب رابطه مثبتی داشت. درحالی‌که نشخوار فکری به تنهایی پیش‌بینی‌کننده معناداری برای تقلب نبود، اما اضطراب توانست به‌طور معناداری رابطه بین نشخوار فکری و تمایل به تقلب را تعدیل کند و شدت





آن را افزایش دهد. علاوه بر این، اضطراب نقش تعدیل گری خود را در تشدید رابطه بین کمال‌گرایی منفی و تقلب تحصیلی نیز به خوبی ایفا کرد.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها بر نقش محوری تعامل بین هیجانات (اضطراب) و الگوهای شناختی ناسازگار (کمال‌گرایی منفی و نشخوار فکری) در بروز رفتارهای متقلبانه در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری تأکید دارند. بنابراین، طراحی برنامه‌های مداخله‌ای روان‌شناختی با هدف کاهش سطح اضطراب، اصلاح باورهای کمال‌گرایانه و مهار نشخوار فکری می‌تواند به عنوان راهکاری مؤثر در کاهش گرایش به این رفتارهای ناسازگار تحصیلی به کار گرفته شود.

کلید واژه: اضطراب، کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری، تقلب تحصیلی، اختلالات یادگیری

مقدمه

تقلب تحصیلی یکی از مهم‌ترین آسیب‌های نظام آموزشی در جوامع معاصر است که نه تنها اعتبار فرایند ارزشیابی آموزشی را تهدید می‌کند، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری الگوهای رفتاری ناسالم در ابعاد فردی و اجتماعی شود. گسترش رفتارهای متقلبانه در محیط‌های آموزشی طی سال‌های اخیر، توجه پژوهشگران حوزه روان‌شناسی تربیتی و علوم رفتاری را به عوامل مؤثر بر این پدیده جلب کرده است. تقلب تحصیلی رفتاری است که در آن دانش‌آموز یا دانشجو برای کسب موفقیت تحصیلی از شیوه‌های غیرقانونی و غیراخلاقی استفاده می‌کند؛ رفتارهایی مانند کپی‌برداری در امتحانات، استفاده غیرمجاز از منابع، جعل تکالیف یا سوء استفاده از تلاش دیگران. پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که تقلب تحصیلی صرفاً ناشی از ضعف اخلاقی نیست، بلکه حاصل تعامل پیچیده عوامل شناختی، هیجانی، شخصیتی و محیطی است (Treviño, 1993 & McCabe؛ جلالی و همکاران، 1401).

در محیط‌های آموزشی، فشار برای موفقیت تحصیلی، رقابت شدید، انتظارات خانواده و ترس از شکست می‌توانند دانش‌آموزان را در معرض تنش‌های روان‌شناختی قابل توجهی قرار دهند. زمانی که فرد توانایی کافی برای مقابله سازگارانه با این فشارها را نداشته باشد، ممکن است برای دستیابی به موفقیت یا اجتناب از شکست، به رفتارهای ناسالمی مانند تقلب تحصیلی متوسل شود. در این میان، ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های شناختی نقش مهمی در نحوه مواجهه دانش‌آموزان با فشارهای تحصیلی دارند. برخی دانش‌آموزان در برابر ناکامی‌های تحصیلی از راهبردهای حل مسئله و سازگارانه استفاده می‌کنند، در حالی که برخی دیگر به دلیل برخورداری از الگوهای فکری منفی و هیجانات ناسازگار، آمادگی بیشتری برای بروز رفتارهای مخرب دارند (کاظمی و مرادپور، 1403).

دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر در محیط‌های آموزشی محسوب می‌شوند. این دانش‌آموزان معمولاً علی‌رغم داشتن هوش طبیعی، در فرایند یادگیری، خواندن، نوشتن یا محاسبات ریاضی با مشکلات قابل توجهی مواجه‌اند و همین مسئله موجب افت تحصیلی، کاهش اعتماد به نفس و تجربه مکرر شکست می‌شود. تکرار ناکامی‌های آموزشی می‌تواند احساس



نابسندگی، اضطراب و درماندگی روان‌شناختی را در آنان افزایش دهد و زمینه را برای بروز رفتارهای ناسازگار فراهم سازد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری بیش از سایر دانش‌آموزان در معرض مشکلات هیجانی، اضطراب عملکرد و رفتارهای اجتنابی قرار دارند (حسینی و همکاران، 1402؛ نوری و همکاران، 1402). در چنین شرایطی، احتمال دارد برخی از این دانش‌آموزان برای جبران ضعف عملکرد تحصیلی یا کاهش فشار روانی ناشی از شکست، به رفتارهایی مانند تقلب تحصیلی روی آورند.

یکی از متغیرهای روان‌شناختی مهم که می‌تواند در شکل‌گیری رفتارهای ناسازگار تحصیلی نقش داشته باشد، کمال‌گرایی منفی است. کمال‌گرایی به‌طور کلی به گرایش فرد برای دستیابی به استانداردهای بالا و عملکرد بدون نقص اشاره دارد؛ با این حال، پژوهشگران میان کمال‌گرایی سازگارانه و ناسازگارانه تمایز قائل شده‌اند. کمال‌گرایی منفی یا ناسازگارانه با نگرانی افراطی درباره اشتباهات، ترس از شکست، خودانتقادی شدید و احساس ناکافی بودن همراه است. افراد دارای کمال‌گرایی منفی معمولاً ارزشمندی خود را وابسته به موفقیت کامل می‌دانند و در صورت تجربه شکست، دچار اضطراب، ناامیدی و احساس بی‌کفایتی می‌شوند (پارکر و ابلا، 2020).

پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که کمال‌گرایی منفی با طیف وسیعی از مشکلات روان‌شناختی مانند افسردگی، اضطراب، فرسودگی تحصیلی و رفتارهای ناسازگار ارتباط دارد. دانش‌آموزانی که استانداردهای غیرواقع‌بینانه برای خود تعیین می‌کنند، در مواجهه با احتمال شکست ممکن است دچار فشار روانی شدید شوند و برای حفظ تصویر ذهنی مطلوب از خود، به رفتارهای جبرانی از جمله تقلب تحصیلی متوسل شوند. در واقع، هنگامی که موفقیت تحصیلی برای فرد به یک معیار مطلق ارزشمندی تبدیل شود، احتمال استفاده از راهبردهای ناسالم برای دستیابی به موفقیت افزایش می‌یابد (کاظمی و مرادپور، 1403). از این رو، بررسی نقش کمال‌گرایی منفی در گرایش به تقلب تحصیلی می‌تواند در شناخت ریشه‌های روان‌شناختی این رفتار اهمیت زیادی داشته باشد.

علاوه بر کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری نیز یکی دیگر از عوامل شناختی مهم مرتبط با مشکلات هیجانی و رفتاری است. نشخوار فکری به الگویی از تفکر تکراری، منفعلانه و متمرکز بر هیجانات منفی و علل و پیامدهای آن‌ها اشاره دارد. افراد دارای نشخوار فکری معمولاً به جای تمرکز بر حل مسئله، بارها افکار منفی، شکست‌ها و نگرانی‌های خود را مرور می‌کنند. این فرایند ذهنی می‌تواند شدت هیجانات منفی را افزایش داده و توانایی فرد برای تصمیم‌گیری منطقی و مقابله مؤثر با مشکلات را کاهش دهد (مورو و نولن، 1991).

نظریه‌پردازان حوزه شناختی معتقدند که نشخوار فکری موجب تداوم خلق منفی، کاهش انعطاف‌پذیری شناختی و افزایش آسیب‌پذیری روان‌شناختی می‌شود. افرادی که درگیر نشخوار فکری هستند، معمولاً توانایی کمتری در کنترل هیجانات و مدیریت موقعیت‌های تنش‌زا دارند و در شرایط دشوار بیشتر به رفتارهای اجتنابی یا ناسازگارانه روی می‌آورند (Nolen-Hoeksema, 2008).



محیط آموزشی نیز نشخوار فکری می‌تواند با کاهش تمرکز، افت عملکرد تحصیلی و افزایش اضطراب امتحان همراه باشد. دانش‌آموزانی که به طور مداوم شکست‌ها و نگرانی‌های تحصیلی خود را مرور می‌کنند، ممکن است در مواجهه با فشارهای آموزشی احساس درماندگی کرده و برای کاهش اضطراب ناشی از شکست احتمالی، به تقلب تحصیلی متوسل شوند (امیدی و سالاری، 1400).

در کنار عوامل شناختی، نقش متغیرهای هیجانی در رفتارهای تحصیلی نیز بسیار حائز اهمیت است. یکی از مهم‌ترین این متغیرها اضطراب است. اضطراب نوعی حالت هیجانی ناخوشایند است که با احساس تنش، نگرانی، بی‌قراری و برانگیختگی فیزیولوژیکی همراه است. اضطراب در حد متعادل می‌تواند موجب افزایش انگیزه و آمادگی فرد شود، اما زمانی که شدت آن افزایش یابد، عملکرد شناختی و رفتاری فرد را مختل می‌کند. اضطراب شدید می‌تواند تمرکز، حافظه کاری، تصمیم‌گیری و توانایی حل مسئله را کاهش دهد و فرد را در مواجهه با موقعیت‌های تحصیلی آسیب‌پذیرتر سازد (برنر اتل، 1997).

پژوهش‌های انجام‌شده نشان داده‌اند که اضطراب با افت عملکرد تحصیلی، فرسودگی آموزشی و رفتارهای ناسازگار ارتباط دارد. دانش‌آموزان مضطرب معمولاً ترس بیشتری از شکست دارند و در شرایط ارزشیابی تحصیلی فشار روانی بالاتری را تجربه می‌کنند. این وضعیت ممکن است آنان را به سمت استفاده از راهبردهای کوتاه‌مدت و ناکارآمد مانند تقلب سوق دهد. افزون بر این، اضطراب می‌تواند رابطه بین متغیرهای شناختی و رفتاری را تحت تأثیر قرار دهد؛ به این معنا که شدت اضطراب ممکن است اثر کمال‌گرایی منفی و نشخوار فکری بر گرایش به تقلب تحصیلی را تقویت کند (کازان و مایکان، 2020؛ گالوی و رنلوی، 2021).

برخی پژوهشگران بر این باورند که اضطراب نقش تعدیل‌کننده مهمی در بروز رفتارهای ناسازگار ایفا می‌کند. به بیان دیگر، افرادی که دارای سطوح بالای کمال‌گرایی منفی یا نشخوار فکری هستند، زمانی بیشتر در معرض رفتارهای مخرب قرار می‌گیرند که همزمان اضطراب بالایی را نیز تجربه کنند. در چنین شرایطی، فشار هیجانی ناشی از اضطراب می‌تواند توانایی کنترل شناختی و رفتاری فرد را کاهش داده و احتمال انتخاب رفتارهای ناسالم را افزایش دهد. بنابراین، بررسی نقش تعدیل‌کننده اضطراب می‌تواند به درک دقیق‌تر سازوکارهای روان‌شناختی مرتبط با تقلب تحصیلی کمک کند.

اگرچه مطالعات متعددی درباره تقلب تحصیلی و عوامل مرتبط با آن انجام شده است، اما بخش قابل توجهی از این پژوهش‌ها بر جمعیت دانشجویان یا دانش‌آموزان عادی متمرکز بوده‌اند و پژوهش‌های محدودی به بررسی این مسئله در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری پرداخته‌اند. همچنین، تاکنون کمتر پژوهشی به صورت همزمان نقش کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری و اضطراب را در تبیین گرایش به تقلب تحصیلی بررسی کرده است. این خلأ پژوهشی نشان می‌دهد که هنوز شناخت جامعی از تعامل عوامل شناختی و هیجانی در بروز تقلب تحصیلی در میان دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری وجود ندارد. (محمدی و عابدی، 1401؛ رامین‌فر و یوسفی، 1401؛ بهرام‌پور، 1403).



با وجود اهمیت موضوع، بررسی همزمان نقش کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری و اضطراب در تبیین گرایش به تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری، کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. بیشتر مطالعات پیشین هر یک از این متغیرها را به صورت جداگانه بررسی کرده‌اند و پژوهش‌های اندکی به نقش تعاملی و تعدیلگر اضطراب در این روابط پرداخته‌اند. از این‌رو، پژوهش حاضر درصدد است نقش تعدیل‌کننده اضطراب را در رابطه بین کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری و گرایش به تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری مقطع متوسطه اول شهر بوکان بررسی کند.

با توجه به پیامدهای فردی، آموزشی و اجتماعی تقلب تحصیلی، شناسایی عوامل مؤثر بر آن می‌تواند نقش مهمی در طراحی برنامه‌های پیشگیرانه و مداخلات روان‌شناختی داشته باشد. اگر مشخص شود که متغیرهایی مانند کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری و اضطراب در افزایش گرایش به تقلب تحصیلی نقش دارند، می‌توان با آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان، اصلاح الگوهای شناختی ناسازگار و کاهش اضطراب، از بروز این رفتار جلوگیری کرد. چنین مداخلاتی به ویژه برای دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری که در معرض آسیب‌پذیری بیشتری قرار دارند، اهمیت فراوانی دارد. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعدیل‌کننده اضطراب در رابطه بین کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری و گرایش به تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری مقطع متوسطه اول شهر بوکان انجام شد. انتظار می‌رود یافته‌های این پژوهش بتواند در توسعه دانش نظری مربوط به رفتارهای تحصیلی ناسازگار و نیز طراحی مداخلات آموزشی و روان‌شناختی مؤثر برای کاهش تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری مفید واقع شود. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که آیا اضطراب می‌تواند رابطه بین کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری و گرایش به تقلب تحصیلی را در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری تعدیل کند یا خیر. پاسخ به این سؤال می‌تواند زمینه مناسبی برای طراحی برنامه‌های آموزشی، مشاوره‌ای و مداخلات روان‌شناختی در جهت کاهش رفتارهای ناسازگار تحصیلی و ارتقای سلامت روان دانش‌آموزان فراهم سازد.

مبانی نظری

کمال‌گرایی منفی

کمال‌گرایی یکی از ویژگی‌های مهم روان‌شناختی است که به معنای داشتن استانداردهای بسیار بالا، تلاش برای برنده بودن و اجتناب از شکست است. این ویژگی در دو بعد سازگارانه و ناسازگارانه (منفی) تقسیم‌بندی می‌شود که بعد منفی آن با مشکلات روان‌شناختی و ضعف سازگاری ارتباط دارد (محرمی و عزیزی، ۱۴۰۲؛ فرهوش و همکاران، ۲۰۲۳).

کمال‌گرایی منفی با ویژگی‌هایی همچون ارزیابی‌های منفی مداوم، خودانتقادی شدید، ترس از اشتباه و باور به غیرقابل دستیابی بودن استانداردهای فرد تعریف می‌شود (اسمیت و همکاران، ۲۰۲۲؛ خانجانی و همکاران، ۲۰۲۱). این نوع کمال‌گرایی موجب می‌شود فرد در مواجهه با



شکست‌ها دچار نشخوار فکری و تمرکز افراطی بر ناکامی‌ها شود و از این طریق اضطراب و فشار روانی وی افزایش یابد (محرمی و عزیزی، ۱۴۰۲).

از منظر نظری، فلت و هیویت (۲۰۰۲) کمال‌گرایی را به سه دسته خودمحور، دیگرگرا و تجویزشده اجتماعی تقسیم کرده‌اند که هر یک ابعاد متفاوتی از انتظارات سختگیرانه را توصیف می‌کنند. همچنین اسلاید و اوونز (۱۹۹۸) کمال‌گرایی را به دو سطح مثبت (سازگارانه) و منفی (ناسازگارانه) تفکیک کرده‌اند که بعد منفی به ترس بیش از حد از اشتباه و خودتردیدی اشاره دارد (استوبر و گادرئو، ۲۰۱۷؛ فلکسمن و همکاران، ۲۰۱۷).

در حوزه تحصیلی، کمال‌گرایی منفی باعث ایجاد فشار روانی و اضطراب در دانش‌آموزان می‌شود و این اضطراب می‌تواند رفتارهای ناسازگارانه، از جمله تقلب تحصیلی، را تشدید کند (پرستل و همکاران، ۲۰۱۹؛ کانون و سیپریانی، ۲۰۲۳). همچنین این ویژگی رفتاری به دلیل ایجاد سوگیری‌های شناختی منفی و توجه انتخابی به شکست‌ها، زمینه‌ساز کاهش عملکرد تحصیلی و مشکلات روانی می‌گردد (اوتو و همکاران، ۲۰۲۱؛ سیروس و مولنار، ۲۰۱۶).

نقش تعدیل‌کننده اضطراب بین کمال‌گرایی منفی و نشخوار فکری نیز مورد توجه بسیاری از پژوهش‌ها قرار گرفته است. اضطراب در این رابطه، به عنوان عاملی که شدت اثرات کمال‌گرایی منفی را بر روی نشخوار فکری و تقلب تحصیلی افزایش می‌دهد، شناخته می‌شود (جلالی و همکاران، ۱۴۰۱؛ کاظمی و مرادپور، ۱۴۰۳).

در نهایت، کمال‌گرایی منفی علاوه بر ایجاد مشکلات روانی-رفتاری، می‌تواند زمینه‌ساز اختلالات دیگر مانند اضطراب مزمن و افسردگی باشد که مداخلات روان‌شناختی برای کاهش تأثیرات آن از اهمیت بالایی برخوردار است (امیدی و سالاری، ۱۴۰۰؛ نوری و همکاران، ۱۴۰۲).

نشخوار فکری

نشخوار فکری به عنوان یک سبک شناختی ناسازگار تعریف می‌شود که مشخصه اصلی آن درگیری مداوم ذهن با افکار منفی و تمرکز بر شکست‌های گذشته است. این نوع تفکر باعث تداوم هیجان‌های منفی و کاهش اثربخشی راهبردهای مقابله‌ای فرد می‌شود (نولن-هوکسما و مارو، ۱۹۹۱؛ نوری و همکاران، ۱۴۰۲).

در پژوهش‌های مختلف، نشخوار فکری به همراه کمال‌گرایی منفی و اضطراب به عنوان متغیرهای اصلی در توضیح گرایش به تقلب تحصیلی بررسی شده‌اند. این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نشخوار فکری به تنهایی رابطه معناداری با تقلب تحصیلی ندارد، اما اضطراب نقش تعدیل‌کننده معناداری در رابطه بین نشخوار فکری و گرایش به تقلب تحصیلی ایفا می‌کند (کاظمی و مرادپور، ۱۴۰۳؛ امیدی و سالاری، ۱۴۰۰).

نشخوار فکری به عنوان یک سبک شناختی ناسازگار در روانشناسی تعریف می‌شود که مشخصه اصلی آن درگیری مداوم ذهن با افکار منفی و تمرکز بر شکست‌ها و ناکامی‌های گذشته است. این سبک فکری باعث تداوم هیجان‌های منفی و کاهش اثربخشی راهبردهای مقابله‌ای فرد می‌شود و به نوعی مانع



پردازش موثر مسائل و مشکلات می‌گردد. نولن-هوکسما و مارو (۱۹۹۱) به عنوان یکی از پیشگامان در مطالعه این سازه، نشخوار فکری را در قالب مقیاس معتبری معرفی کرده‌اند که در پژوهش‌های بسیاری به کار رفته است.

از منظر روانشناختی، نشخوار فکری نه تنها فرآیندهای شناختی را مختل می‌کند بلکه با ایجاد و تداوم اضطراب و استرس نیز ارتباط تنگاتنگی دارد. در واقع، افرادی که دچار نشخوار فکری مکرر هستند، بیشتر مستعد تجربه اضطراب‌های هیجانی مزمن می‌باشند، به خصوص در موقعیت‌های پرتنش و چالش‌برانگیز مانند محیط‌های تحصیلی. پژوهش حاضر که هدف آن بررسی نقش تعدیل‌کننده اضطراب در رابطه بین کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری و گرایش به تقلب تحصیلی است، نشان داد که نشخوار فکری به‌تنهایی رابطه معناداری با گرایش به تقلب تحصیلی ندارد. اما اضطراب به عنوان متغیر تعدیل‌کننده، نقش معناداری در این رابطه ایفا می‌کند به طوری که وجود اضطراب، شدت تأثیر نشخوار فکری بر گرایش به تقلب تحصیلی را افزایش می‌دهد.

تعامل بین نشخوار فکری و کمال‌گرایی منفی می‌تواند زمینه‌ای را فراهم آورد که تقلب تحصیلی به عنوان یک راهکار ظاهری برای مدیریت فشارهای درونی و کاهش اضطراب در افراد دیده شود. از این روی، اضطراب تحصیلی به عنوان عامل هیجانی کلیدی در این میان مطرح است که می‌تواند جهت و شدت اثرگذاری این متغیرهای شناختی و شخصیتی را دگرگون کند. بنابراین، نشخوار فکری نه تنها یک سازه شناختی منفرد است بلکه در چارچوب پژوهشی حاضر، به عنوان یک مؤلفه اساسی در فرایندهای روانشناختی پیچیده‌ای مطرح می‌شود که در نهایت می‌تواند بر رفتارهای پرخطر مانند تقلب تحصیلی تأثیرگذار باشد. توجه ویژه به مداخلات کاهش نشخوار فکری و اضطراب، می‌تواند به بهبود وضعیت روانی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان کمک شایانی نماید. این یافته‌ها اهمیت توجه به ابعاد هیجانی و شناختی نشخوار فکری را در مدیریت رفتارهای ناسازگار تحصیلی برجسته می‌سازد و توصیه می‌شود مداخلات روان‌شناختی با تمرکز بر کاهش نشخوار فکری و اضطراب طراحی و اجرا شود (جلالی و همکاران، ۱۴۰۱).

تقلب تحصیلی

تقلب تحصیلی به هرگونه رفتار عمدی و آگاهانه‌ای گفته می‌شود که با هدف کسب موفقیت یا امتیاز تحصیلی از طریق شیوه‌های غیرصادقانه و خلاف مقررات انجام می‌گیرد؛ مانند کپی‌برداری، استفاده از منابع غیرمجاز، جعل نتایج یا سرقت علمی (موسوی و قاسمی، ۱۴۰۰). در روان‌شناسی تربیتی، تقلب تحصیلی غالباً نشانه ضعف مهارت‌های مقابله‌ای، اضطراب افراطی، کمال‌گرایی منفی یا نبود باور به انصاف آموزشی است (یو و همکاران، ۲۰۲۱؛ نوری و همکاران، ۱۴۰۲). پژوهش‌های اخیر این رفتار را نه‌تنها تخیل اخلاقی، بلکه نشانه آسیب روانی و رفتاری، ویژه دانش‌آموزان با اختلالات یادگیری و مشکلات هیجانی - شناختی می‌دانند (صبوری و همکاران، ۱۴۰۱).

اضطراب



اضطراب یک حالت روان‌شناختی و هیجانی است که با احساس نگرانی، تنش و دلواپسی نسبت به آینده یا موقعیت‌های نامشخص همراه است. اضطراب می‌تواند به صورت واکنش طبیعی نسبت به فشارهای محیطی بروز یابد، اما در صورت تداوم یا شدت بالا، به شکل مزمن بر کارکردهای فردی و اجتماعی اثر منفی می‌گذارد (کاظمی و مرادپور، ۱۴۰۳). در روان‌شناسی، اضطراب زمانی به شکل یک اختلال مطرح می‌شود که با نشانه‌هایی مانند برانگیختگی فیزیولوژیک، افکار منفی، نگرانی مداوم و اختلال در عملکرد روزانه همراه باشد (افشار، سعید، و نادری، ۲۰۲۰). در زمینه تحصیلی، اضطراب اغلب به شکل اضطراب امتحان یا اضطراب تحصیلی بروز می‌کند که با نگرانی از شکست یا ارزیابی منفی پیوند دارد و می‌تواند باعث کاهش عملکرد، اختلال در یادگیری و افزایش تمایل به رفتارهای ناسازگارانه مثل تقلب گردد (نوری و همکاران، ۱۴۰۲).

پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی به بررسی رابطه میان کمال‌گرایی تحصیلی، اضطراب امتحان، نشخوار فکری و گرایش به رفتارهای ناسازگارانه تحصیلی از جمله تقلب پرداخته‌اند. مرور پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نخستین و همکاران (1404) در پژوهشی مروری که با مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی منابع متنوع انجام دادند، رابطه میان کمال‌گرایی تحصیلی ناسازگارانه، اضطراب امتحان و رفتارهای اجتنابی دانش‌آموزان را بررسی کردند. نتایج نشان داد کمال‌گرایی ناسازگارانه عامل افزایش اضطراب امتحان بوده و این اضطراب به نوبه خود باعث بروز رفتارهای اجتنابی تحصیلی می‌شود که در مجموع عملکرد تحصیلی و سلامت روان دانش‌آموزان را به‌طور منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در پژوهش دیگری، گل‌مکانی (1404) نقش کمال‌گرایی در اضطراب امتحان دانش‌آموزان را با بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری روان‌شناسی مورد بررسی قرار داد. یافته‌ها بیانگر آن بودند که کمال‌گرایی مثبت و کنترل‌شده می‌تواند مطلوب باشد، اما کمال‌گرایی منفی نیازمند کنترل و مداخله است تا دانش‌آموزان بتوانند اضطراب امتحان را مدیریت و از بروز مشکلات جسمی و روانی پیشگیری کنند.

مطالعه کاظمی و مرادپور (1403) روی دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری در دوره متوسطه اول، به بررسی اثر کمال‌گرایی منفی و اضطراب بر تمایل به رفتارهای پرخطر تحصیلی با تأکید بر نقش نشخوار فکری پرداخت. نتایج این مطالعه نشان داد کمال‌گرایی منفی و اضطراب تحصیلی نقش معناداری در افزایش تمایل به رفتارهای پرخطر و تقلب دارند و نشخوار فکری به عنوان یک عامل میانجی‌گر، شدت این رابطه را تشدید می‌کند. پژوهشگران بر ضرورت مداخلات مشاوره‌ای و آموزشی برای کاهش اضطراب و نشخوار فکری تأکید کردند.

اسماعیلی و مرادی (1403) نقش کمال‌گرایی منفی و اضطراب تحصیلی را در پیش‌بینی رفتارهای تقلبی در دانش‌آموزان با اختلال یادگیری بررسی کردند. یافته‌ها بیانگر آن بود که هر دو متغیر به طور معنادار پیش‌بینی‌کننده

رفتارهای تقلبی بوده و تعامل بالای آنها احتمال بروز این رفتارها را افزایش می‌دهد.

حسینی و همکاران (1402) به نقش تعدیلگر اضطراب در رابطه بین کمال‌گرایی منفی و نشخوار فکری با گرایش به تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری پرداختند. نتایج نشان داد در سطوح بالای اضطراب، رابطه میان کمال‌گرایی منفی و نشخوار فکری با گرایش به تقلب تحصیلی تقویت می‌شود.

مطالعات دیگر نیز به صورت مشابه نقش اضطراب و نشخوار فکری را در تشدید رفتارهای ناهنجار تحصیلی، از جمله تقلب و پرخطر، تأیید کرده‌اند (نوری و همکاران 1402؛ فهیمی‌زاده 1402؛ محمدی و عابدی 1401؛ رامین‌فر و یوسفی 1401؛ امیدی و سالاری 1400؛ صفری و بهرام‌پور 1399؛ رضایی و شریفی 1399؛ علی‌اکبرپور و رحمانی 1398).

در سطح بین‌المللی، پژوهش‌های متعددی مشابه یافته‌های داخلی را تأیید کرده‌اند. نگوین و تران (2024) نقش تعدیل‌کننده اضطراب امتحان در رابطه میان کمال‌گرایی منفی و تقلب تحصیلی را بررسی کردند و دریافتند اضطراب امتحان به طور معنی‌داری این رابطه را تقویت می‌کند. براون و سوکول (2024) نیز با تحلیل میانجیگری تعدیل شده نشان دادند که اضطراب نقش واسطه‌ای پررنگی در تأثیر کمال‌گرایی منفی بر رفتارهای تقلبی دارد. اسمیت (2023)، پولینگ و ارلیش (2023)، لی و لی (2023)، کولاکوف (2022)، یو و همکاران (2021)، گالووی و رینولدز (2021)، کازان و ماکیان (2020) و آبلارد و پارکر (2020) نیز به‌طور مستقل روابط میان اضطراب، نشخوار فکری، کمال‌گرایی منفی و رفتارهای تقلب یا نادرست تحصیلی را در نمونه‌های مختلف دانش‌آموزی بررسی کرده‌اند که همگی آنها ضرورت مداخلات روانی، آموزشی و مشاوره‌ای جامع برای کاهش اضطراب و مدیریت نشخوار فکری و کمال‌گرایی منفی را تأکید می‌کنند.

روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی - کاربردی و از حیث روش اجرا، توصیفی - تحلیلی از نوع همبستگی بود. همچنین از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، پژوهشی میدانی و از نظر زمان اجرا مقطعی محسوب می‌شود و داده‌های آن به‌صورت کمی تحلیل شده است. هدف اصلی پژوهش بررسی نقش تعدیل‌کننده اضطراب در رابطه بین کمال‌گرایی منفی و نشخوار فکری با گرایش به تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری بود. روش‌شناسی تحقیق حاضر ترکیبی از روش کتابخانه‌ای و میدانی است. در بخش کتابخانه‌ای، برای جمع‌آوری ادبیات و پیشینه پژوهش بهره گرفته شده و برای بررسی فرضیه‌ها و پرسش‌های تحقیق، روش میدانی به کار رفته است. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌های استاندارد است که شامل دو بخش می‌باشد: بخش اول مربوط به اطلاعات فردی مانند جنسیت، سن و تحصیلات، و بخش دوم شامل 56 سوال تخصصی مرتبط با موضوع تحقیق است که پاسخ‌ها بر اساس مقیاس لیکرت تنظیم شده‌اند. همچنین آزمون‌های پیش‌فرض آماری شامل آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها و آزمون کفایت نمونه‌گیری برای تحلیل عاملی نیز قبل از



مدلسازی انجام شده است. در مجموع، روش‌شناسی تحقیق مبتنی بر تلفیق روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی، استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد و معتبر، ارزیابی دقیق روایی و پایایی و انجام آزمون‌های آماری پیش‌فرض پیش از تحلیل داده‌ها است. این پژوهش از نوع تحقیقات ترکیبی است که روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی را با هم تلفیق کرده است. بخش کتابخانه‌ای پژوهش به مطالعه و بررسی ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق اختصاص دارد، در حالی که بخش میدانی به جمع‌آوری داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها و پرسش‌های تحقیق می‌پردازد. برای گردآوری داده‌ها در بخش میدانی، از پرسشنامه‌های استاندارد استفاده شده است.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری خاص، شامل اختلال در خواندن، نوشتن یا ریاضی، مشغول به تحصیل در پایه اول مقطع متوسطه اول شهر بوکان در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ هجری شمسی بود. نمونه پژوهش با استفاده از روش در دسترس-هدفمند انتخاب شد. بدین صورت که پس از اخذ مجوزهای لازم از اداره آموزش و پرورش شهرستان بوکان و هماهنگی با مدیران مدارس منتخب، فهرست دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری از پرونده‌های رسمی استخراج شد و از میان آنان، دانش‌آموزان واجد معیارهای ورود به مطالعه انتخاب شدند. در صورت امکان، انتخاب درون مدارس بر اساس پایه و جنسیت به روش تصادفی طبقه‌ای انجام شد تا نمایندگی گروه‌ها حفظ شود.

حجم نمونه نهایی پژوهش ۲۰۰ نفر بود که شامل ۱۰۰ دانش‌آموز دختر و ۱۰۰ دانش‌آموز پسر دارای اختلالات یادگیری مقطع متوسطه اول بود. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل داشتن تشخیص یا پرونده اختلال یادگیری، اشتغال به تحصیل در پایه اول متوسطه اول، رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش و توانایی پاسخ‌گویی به پرسشنامه‌ها بود. پرسشنامه‌های ناقص یا مخدوش نیز از تحلیل نهایی حذف شدند.

ابزارهای پژوهش

ابزارهای مورد استفاده در پژوهش، پیش از اجرا از نظر روایی و پایایی مورد تأیید قرار گرفته بودند. علاوه بر این، در این مطالعه نیز پایایی کل پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقدار 0.91 به عنوان ضریب پایایی به دست آمد. این مقدار بالاتر از شاخص مرجع 0.70 به شمار می‌رود و نشان‌دهنده پایایی بسیار مناسب ابزار در جمعیت مورد مطالعه است.

1. پرسشنامه اضطراب کودکان - نسخه کوتاه

برای سنجش اضطراب از پرسشنامه اضطراب کودکان نسخه کوتاه (SCARED-Short) استفاده شد. این ابزار دارای ۱۸ گویه است و سه خرده‌مقیاس اضطراب تعمیم‌یافته، اضطراب اجتماعی و ترس از موقعیت‌های تحصیلی را می‌سنجد. پاسخ‌دهی بر اساس طیف لیکرت انجام می‌شود و نمره بالاتر نشان‌دهنده شدت بیشتر اضطراب است. نسخه فارسی این ابزار در پژوهش‌های پیشین از روایی



محتوایی و پایایی مطلوب برخوردار بوده و ضریب آلفای کرونباخ آن بیش از 82/0 گزارش شده است.

2. پرسشنامه کمال‌گرایی منفی نسخه کوتاه

برای سنجش کمال‌گرایی منفی از پرسشنامه کمال‌گرایی منفی نسخه کوتاه ندی و همکاران استفاده شد. این ابزار ۱۵ گویه دارد و مؤلفه‌هایی مانند تلاش افراطی برای بی‌نقص بودن، نگرانی از اشتباهات، تردید در تصمیم‌گیری و انتظارات بیش از حد از خود را ارزیابی می‌کند. پاسخ‌ها بر اساس طیف لیکرت نمره‌گذاری می‌شوند و نمره بالاتر نشان‌دهنده سطح بالاتر کمال‌گرایی منفی است. در پژوهش‌های داخلی، ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس 84/0 گزارش شده است.

3. مقیاس نشخوار فکری کوتاه

برای سنجش نشخوار فکری از مقیاس نشخوار فکری کوتاه Brief RRS-10 استفاده شد. این مقیاس ۱۰ گویه دارد و میزان درگیری ذهنی فرد با افکار منفی، بازنگری مکرر مشکلات و تمرکز بر پیامدهای ناخوشایند را ارزیابی می‌کند. نمره بالاتر بیانگر سطح بیشتر نشخوار فکری است. این ابزار به‌عنوان نسخه کوتاه‌شده‌ای از مقیاس پاسخ‌های نشخواری، در پژوهش‌های پیشین برای سنجش مؤلفه‌های شناختی مرتبط با افسردگی و اضطراب به کار رفته است.

4. مقیاس گرایش به تقلب تحصیلی

برای سنجش گرایش به تقلب تحصیلی از مقیاس گرایش به تقلب تحصیلی مک‌کیب و تروینو (1993) استفاده شد. این ابزار ۱۳ گویه دارد و نگرش‌ها و گرایش‌های دانش‌آموزان نسبت به رفتارهای تقلب‌آمیز در محیط آموزشی را می‌سنجد. نمرات بالاتر نشان‌دهنده گرایش بیشتر به تقلب تحصیلی است. مجموع گویه‌های ابزارهای پژوهش ۵۶ سؤال بود.

روش اجرا

پس از اخذ مجوزهای لازم و هماهنگی با مدارس، پژوهشگر با حضور در مدارس منتخب، اهداف پژوهش را برای دانش‌آموزان و در صورت لزوم والدین آنان توضیح داد. سپس با رعایت اصول اخلاق پژوهش، رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان اخذ شد و پرسشنامه‌ها به‌صورت حضوری در اختیار آنان قرار گرفت. تکمیل پرسشنامه‌ها به‌صورت فردی انجام شد و به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات آنان محرمانه باقی می‌ماند و صرفاً برای اهداف علمی استفاده خواهد شد. پس از جمع‌آوری، پرسشنامه‌های ناقص حذف و داده‌های نهایی برای تحلیل آماده شدند.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و آمار استنباطی تحلیل شد. در بخش توصیفی، شاخص‌هایی مانند میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمرات گزارش شد. در بخش استنباطی، از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون

چندمتغیره و مدلیابی معادلات ساختاری برای بررسی روابط بین متغیرها و نقش تعدیلکننده اضطراب استفاده شد. تحلیل داده ها با بهره گیری از نرم افزار SPSS نسخه 24 و SmartPLS نسخه 3 انجام گرفت. سطح معناداری آزمون ها 0/05 در نظر گرفته شد.

ملاحظات اخلاقی

این پژوهش با رعایت اصول اخلاقی انجام شد. مشارکت در پژوهش داوطلبانه بود و شرکت کنندگان در هر مرحله حق انصراف داشتند. محرمانگی اطلاعات تضمین شد و از داده ها صرفاً در راستای اهداف علمی استفاده شد.

پیش از انجام مدل سازی و تحلیل داده ها، آزمون های پیش فرض متناسب با داده ها به منظور صحت تحلیل ها انجام شد. این آزمون ها شامل:

- آزمون نرمال بودن توزیع داده ها که اعتبار تحلیل های آماری را تضمین می کند.

- آزمون کفایت نمونه گیری و تناسب داده ها برای انجام تحلیل های عاملی که نشان دهنده کفایت جامعه و حجم نمونه برای تحلیل ساختاری است.

در یک نگاه کلی، روش شناسی پژوهش حاضر به صورت ترکیبی از مطالعات کتابخانه ای برای گردآوری پیشینه و مطالعات میدانی برای جمع آوری داده های مورد نیاز است. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه های استاندارد و دارای اعتبار علمی است که پس از بررسی روایی و پایایی، در قالب طیف لیکرت اجرا شده اند. همچنین، آزمون های آماری پیش فرض جهت تضمین کیفیت داده ها و صحت تحلیل ها انجام گردیده است.

فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی

بین نقش تعدیل کننده اضطراب در رابطه بین کمال گرایی منفی و نشخوارفکری با گرایش به تقلب تحصیلی در دانش آموزان دارای اختلالات یادگیری مقطع متوسطه اول شهر بوکان رابطه وجود دارد.

فرضیه های فرعی

1. بین کمال گرایی منفی و گرایش به تقلب تحصیلی در دانش آموزان دارای اختلالات یادگیری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

2. بین نشخوارفکری و گرایش به تقلب تحصیلی در دانش آموزان دارای اختلالات یادگیری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

3. اضطراب با گرایش به تقلب تحصیلی در دانش آموزان دارای اختلالات یادگیری رابطه مثبت و معناداری دارد.

4. اضطراب رابطه بین کمال گرایی منفی و گرایش به تقلب تحصیلی را تعدیل می کند؛ به گونه ای که در سطوح بالاتر اضطراب، اثر کمال گرایی منفی بر گرایش به تقلب تحصیلی تقویت می شود و رابطه وجود دارد.

5. اضطراب رابطه بین نشخوارفکری و گرایش به تقلب تحصیلی را تعدیل می‌کند؛ به‌گونه‌ای که در سطوح بالاتر اضطراب، اثر نشخوارفکری بر گرایش به تقلب تحصیلی افزایش می‌یابد و رابطه دارد.

یافته‌ها

در این پژوهش، ابتدا شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش شامل کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری، اضطراب و گرایش به تقلب تحصیلی بررسی شد و سپس روابط بین متغیرها با استفاده از آزمون‌های آماری مورد تحلیل قرار گرفت.

در پژوهش حاضر، ۲۰۰ دانش‌آموز دارای اختلالات یادگیری مقطع متوسطه اول شهر بوکان مورد بررسی قرار گرفتند که از این تعداد، ۱۰۰ نفر دختر و ۱۰۰ نفر پسر بودند. در ابتدا شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش شامل کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری، اضطراب و گرایش به تقلب تحصیلی محاسبه شد. نتایج آمار توصیفی نشان داد که میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش در دامنه قابل قبول قرار داشت و توزیع داده‌ها از نرمال بودن نسبی برخوردار بود. همچنین پیش‌فرض‌های لازم برای اجرای آزمون‌های همبستگی و رگرسیون شامل نرمال بودن داده‌ها، استقلال خطاها و نبود هم‌خطی چندگانه بررسی و تأیید شد.

یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های گردآوری‌شده از نمونه مطالعه ارائه می‌شود. ابتدا، مشخصات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان شامل جنسیت، سن و پایه تحصیلی به منظور شناخت بهتر ساختار نمونه تشریح می‌گردد (جدول شماره ۱). سپس، شاخص‌های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش از جمله کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری، اضطراب و گرایش به تقلب تحصیلی در قالب میانگین، انحراف معیار و واریانس ارائه خواهد شد (جدول شماره ۲).

به منظور اطمینان از برقراری مفروضه‌های آماری لازم برای انجام آزمون‌های پارامتریک، نرمال بودن توزیع داده‌های پژوهش با استفاده از شاخص‌های چولگی و کشیدگی مورد بررسی قرار گرفته است که نتایج آن در جدول شماره ۳ ارائه شده است. همچنین، کفایت نمونه‌گیری و مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل‌های آماری پیشرفته‌تر با بهره‌گیری از آزمون‌های KMO و بارتلت ارزیابی شده که مقادیر مربوطه در جدول شماره ۴ گزارش شده است.

در ادامه، برای تضمین روایی و پایایی سازه‌های مدل اندازه‌گیری پژوهش، نتایج مربوط به پایایی ترکیبی، آلفای کرونباخ، میانگین واریانس استخراج‌شده و روایی واگرا نمایش داده می‌شود (جدول شماره ۵). در نهایت، نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از مدلیابی معادلات ساختاری ارائه شده که روابط بین متغیرها و نقش تعدیلگری اضطراب به طور مفصل در جدول شماره ۶ تشریح شده است. مطالعه و تحلیل این جداول، چارچوبی قابل اتکا برای نتیجه‌گیری نهایی و بحث علمی در بخش‌های بعدی مقاله فراهم می‌آورد.

یافته‌های توصیفی

به منظور توصیف داده ها، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش محاسبه شد. نتایج نشان داد که دانش آموزان مورد مطالعه در متغیرهای کمال گرایی منفی، نشخوار فکری، اضطراب و گرایش به تقلب تحصیلی دارای پراکندگی قابل قبولی بودند و توزیع داده ها برای انجام تحلیل های استنباطی مناسب بود.

آزمون نرمال بودن داده ها

پیش از اجرای تحلیل های اصلی، نرمال بودن توزیع داده ها بررسی شد. نتایج نشان داد که شاخص های چولگی و کشیدگی متغیرها در دامنه قابل قبول قرار دارند؛ بنابراین استفاده از آزمون های پارامتریک بلامانع بود. همچنین نتایج شاخص KMO و آزمون بارتلت نشان داد که داده ها از کفایت لازم برای تحلیل عاملی و مدلیابی برخوردار هستند.

نتایج همبستگی بین متغیرهای پژوهش

برای بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد که بین کمال گرایی منفی و گرایش به تقلب تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($P < 0/01$). همچنین بین نشخوار فکری و گرایش به تقلب تحصیلی نیز رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد. علاوه بر این، اضطراب با کمال گرایی منفی، نشخوار فکری و گرایش به تقلب تحصیلی همبستگی مثبت و معناداری داشت.

این یافته ها نشان می دهد که با افزایش کمال گرایی منفی، نشخوار فکری و اضطراب، میزان گرایش دانش آموزان به تقلب تحصیلی نیز افزایش می یابد.

نتایج تحلیل رگرسیون و نقش تعدیلگر اضطراب

به منظور بررسی نقش تعدیل کننده اضطراب در رابطه بین کمال گرایی منفی، نشخوار فکری و گرایش به تقلب تحصیلی، از رگرسیون چندمتغیره و مدلیابی معادلات ساختاری استفاده شد.

نتایج تحلیل نشان داد که کمال گرایی منفی به صورت مستقیم و مثبت، گرایش به تقلب تحصیلی را پیش بینی می کند. همچنین نشخوار فکری نیز دارای اثر مستقیم و معنادار بر گرایش به تقلب تحصیلی بود.

علاوه بر این، اثر تعاملی اضطراب با کمال گرایی منفی و نشخوار فکری معنادار بود؛ بدین معنا که اضطراب نقش تعدیل کننده در رابطه بین این متغیرها و گرایش به تقلب تحصیلی ایفا می کند. به عبارت دیگر، در سطوح بالاتر اضطراب، رابطه بین کمال گرایی منفی و نشخوار فکری با گرایش به تقلب تحصیلی قوی تر می شود.

نتایج مدلیابی معادلات ساختاری نیز نشان داد که مدل پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار است و متغیرهای پیش بین توانستند بخش معناداری از واریانس گرایش به تقلب تحصیلی را تبیین کنند.

در مجموع، یافته های پژوهش نشان داد که کمال گرایی منفی و نشخوار فکری از عوامل روان شناختی مؤثر بر گرایش به تقلب تحصیلی در دانش آموزان

دارای اختلالات یادگیری هستند و اضطراب می‌تواند شدت این روابط را افزایش دهد.

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش

جدول شماره 1 ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌های پژوهش را نشان می‌دهد، برای درک بهتر ساختار نمونه پژوهش، ابتدا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان شامل جنسیت، سن، و پایه تحصیلی گزارش می‌شود.

جدول شماره 1) توزیع فراوانی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش

درصد	فراوانی	طبقه	متغیر
50	100	دختر	جنسیت
50	100	پسر	
34	68	14 سال	سن
44	88	پایه نهم	پایه تحصیلی

بر اساس نتایج جدول شماره 1، ترکیب نمونه پژوهش از نظر جنسیت متعادل بود؛ به‌گونه‌ای که 50 درصد نمونه را دانش‌آموزان دختر و 50 درصد را دانش‌آموزان پسر تشکیل دادند. همچنین بیشترین فراوانی سنی مربوط به دانش‌آموزان 14 ساله (34 درصد) و بیشترین فراوانی پایه تحصیلی مربوط به پایه نهم (44 درصد) بود. مشاهده می‌شود که نمونه مورد مطالعه از نظر جنسیت متعادل بوده و بیشترین فراوانی سنی و تحصیلی مربوط به 14 ساله‌ها و پایه نهم است که نمایانگر وضعیت دانش‌آموزان متوسطه اول در نمونه می‌باشد.

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

جدول شماره 2 شاخص‌های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش را شامل میانگین، انحراف معیار و واریانس نمایش می‌دهد که وضعیت کلی متغیرها را نشان می‌دهد. به‌منظور بررسی وضعیت متغیرهای اصلی پژوهش، شاخص‌های توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار و واریانس محاسبه شد.

جدول شماره 2) شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

واریانس	انحراف معیار	میانگین	متغیر
—	—	—	کمال‌گرایی منفی
—	—	—	نشخوار فکری

اضطراب	—	—	—
گرایش به تقلب تحصیلی	بیشترین میانگین	—	—

نتایج جدول شماره 2 نشان می‌دهد که در بین متغیرهای پژوهش، گرایش به تقلب تحصیلی دارای بالاترین میانگین بوده است. همچنین شاخص‌های پراکندگی نشان‌دهنده توزیع قابل قبول داده‌ها در متغیرهای مورد مطالعه است. با توجه به محدودیت استخراج اعداد دقیق جداول از فایل پایان‌نامه، مقادیر عددی کامل در نسخه حاضر قابل گزارش نبود. شاخص‌های توصیفی نشان می‌دهند که متغیر گرایش به تقلب تحصیلی دارای بیشترین میانگین بوده و سایر متغیرها نیز در دامنه توزیع مناسبی قرار دارند که تحلیل‌های بعدی را می‌توان بر مبنای آن‌ها انجام داد.

بررسی نرمال بودن داده‌ها

جهت اطمینان از صحت کاربرد آزمون‌های پارامتریک، مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌های پژوهش با استفاده از شاخص‌های چولگی و کشیدگی در جدول شماره 3 مورد بررسی قرار گرفت.

جدول شماره 3) نتایج آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش

نتیجه	وضعیت چولگی و کشیدگی	متغیر
نرمال	در دامنه $2\pm$	کمال‌گرایی منفی
نرمال	در دامنه $2\pm$	نشخوار فکری
نرمال	در دامنه $2\pm$	اضطراب
نرمال	در دامنه $2\pm$	گرایش به تقلب تحصیلی

مطابق نتایج جدول شماره 3، مقادیر چولگی و کشیدگی تمامی متغیرها در دامنه قابل قبول -2 تا $+2$ قرار داشت؛ بنابراین، توزیع داده‌ها نرمال بوده و استفاده از آزمون‌های پارامتریک بلامانع است. بنابراین، داده‌ها از لحاظ توزیع نرمال بودن شرایط لازم را دارند و می‌توان از آزمون‌های پارامتریک برای تحلیل روابط استفاده کرد.

کفایت نمونه‌گیری و مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی

به‌منظور بررسی کفایت نمونه‌گیری و مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل‌های ساختاری با استفاده از آزمون KMO و بارتلت ارزیابی شده که نتایج در جدول شماره 4 آمده است.

جدول شماره 4) نتایج آزمون KMO و بارتلت

مقدار	شاخص
0.752	KMO
$p < 0.05$	سطح معناداری آزمون بارتلت

نتایج جدول شماره 4 نشان داد که مقدار شاخص KMO برابر با 0.752 است که بیانگر کفایت مناسب حجم نمونه برای انجام تحلیل عاملی است. همچنین معنادار بودن آزمون بارتلت نشان می‌دهد ماتریس همبستگی داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب است. بر اساس این نتایج، می‌توان تأیید کرد نمونه پژوهش برای اجرای تحلیل عاملی به اندازه کافی مناسب است و مدل اندازه‌گیری قابل اعتماد می‌باشد.

تحلیل مدل اندازه‌گیری

جدول شماره 5 نتایج ارزیابی پایایی و روایی سازه‌های مدل اندازه‌گیری را نشان می‌دهد که اعتبار مدل را تضمین می‌کند.

جدول شماره 5) وضعیت روایی و پایایی سازه‌های پژوهش

نتیجه	معیار قابل قبول	شاخص
تأیید شد	بیشتر از 0.70	پایایی ترکیبی (CR)
تأیید شد	بیشتر از 0.60	آلفای کرونباخ (CA)
تأیید شد	بیشتر از 0.50	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)
تأیید شد	معیار فورنل و لارکر	روایی واگرا

نتایج جدول شماره 5 نشان داد که تمامی سازه‌های پژوهش از پایایی و روایی مطلوب برخوردار هستند. شاخص‌های پایایی ترکیبی، آلفای کرونباخ و میانگین واریانس استخراج شده در محدوده قابل قبول قرار داشتند و روایی واگرا نیز بر اساس معیار فورنل و لارکر تأیید شد. مطابق شاخص‌های ارائه شده، سازه‌های مورد استفاده از اعتبار و پایایی لازم برخوردار بوده و لذا نتایج تحلیل ساختاری قابل اتکا هستند.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از مدلیابی معادلات ساختاری در جدول شماره 6 خلاصه شده است.

جدول شماره 6) نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش



نتیجه	فرضیه
تأیید شد	کمال‌گرایی منفی با گرایش به تقلب تحصیلی رابطه مثبت و معنادار دارد
تأیید نشد	نشخوار فکری با گرایش به تقلب تحصیلی رابطه معنادار دارد
تأیید شد	اضطراب با گرایش به تقلب تحصیلی رابطه مثبت و معنادار دارد
تأیید شد	اضطراب رابطه بین کمال‌گرایی منفی و تقلب تحصیلی را تعدیل می‌کند
تأیید شد	اضطراب رابطه بین نشخوار فکری و تقلب تحصیلی را تعدیل می‌کند

بر اساس نتایج جدول شماره 6، کمال‌گرایی منفی و اضطراب دارای اثر مثبت و معنادار بر گرایش به تقلب تحصیلی بودند. در مقابل، نشخوار فکری اثر مستقیم معناداری بر تقلب تحصیلی نشان نداد. همچنین اضطراب در روابط بین متغیرهای شناختی - هیجانی و گرایش به تقلب تحصیلی نقش تعدیل‌کننده معناداری ایفا کرد؛ به‌گونه‌ای که در سطوح بالاتر اضطراب، شدت اثر متغیرهای پیش‌بین بر تقلب تحصیلی افزایش یافت. این نتایج نشان می‌دهد کمال‌گرایی منفی و اضطراب نقش مهم و معناداری در پیش‌بینی گرایش به تقلب تحصیلی دارند و همچنین اضطراب به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر مهمی در روابط میان متغیرها عمل می‌کند.

مطالعه جداول ارائه شده نشان می‌دهد که نمونه پژوهش از لحاظ جنسیت کاملاً متعادل بوده و بیشترین فراوانی گروه‌های سنی و پایه تحصیلی مربوط به دانش‌آموزان 14 ساله و پایه نهم است که نمایانگر وضعیت دانش‌آموزان دوره اول متوسطه است. شاخص‌های توصیفی متغیرهای کمال‌گرایی منفی، اضطراب، نشخوار فکری و گرایش به تقلب تحصیلی، تصویری روشن از وضعیت درونی نمونه به دست می‌دهند و نشان می‌دهند که این متغیرها در دامنه پراکندگی مناسبی قرار دارند.

علاوه بر این، نتایج آزمون نرمال بودن داده‌ها، مفروضه‌های لازم برای بهره‌گیری از آزمون‌های پارامتریک را تأیید می‌کند. همچنین، شاخص KMO و آزمون بارتلت کفایت نمونه و مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل‌های آماری پیچیده‌تر، از جمله تحلیل عاملی و مدلیابی معادلات ساختاری، را تأیید کرده‌اند.

روایی و پایایی سازه‌های مدل نیز مورد تأیید قرار گرفته و این نکته اطمینان می‌دهد که متغیرهای گردآوری‌شده قابل اعتماد و معتبر هستند. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که کمال‌گرایی منفی و اضطراب تأثیر مثبت و معناداری بر گرایش به تقلب تحصیلی دارند، در حالی که



نشخوار فکری رابطه معناداری نشان نداد. همچنین نقش تعدیلگری اضطراب در رابطه کمال‌گرایی منفی و نشخوار فکری با ثقلب تأیید شده است که بر پیچیدگی فرآیندهای هیجانی - شناختی در بروز رفتار ثقلب تأکید می‌کند.

این یافته‌ها چارچوب مفهومی محکمی را برای بحث و تبیین نتایج فراهم می‌آورد و در ادامه، بخش بحث به صورت تحلیلی و نقادانه به بررسی این نتایج و ارتباط آنها با مطالعات پیشین خواهد پرداخت.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که کمال‌گرایی منفی با گرایش به ثقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری رابطه مثبت و معناداری دارد. این نتیجه بیانگر آن است که هرچه دانش‌آموزان بیشتر درگیر استانداردهای سخت‌گیرانه، ترس از شکست و ارزیابی‌های منفی از عملکرد خود باشند، احتمال گرایش آنان به رفتارهای جبرانی مانند ثقلب تحصیلی افزایش می‌یابد. کمال‌گرایی منفی با ایجاد احساس ناکامی، کاهش خودکارآمدی و افزایش فشار روانی می‌تواند زمینه استفاده از راهبردهای ناسازگارانه در موقعیت‌های تحصیلی را فراهم سازد. از این رو، ثقلب تحصیلی در چنین شرایطی می‌تواند به عنوان پاسخی ناسازگارانه به فشارهای درونی و نگرانی از شکست تلقی شود. این یافته با نتایج پژوهش‌های پیشین همسو است؛ به گونه‌ای که مطالعات مختلف نشان داده‌اند کمال‌گرایی ناسازگارانه با افزایش اضطراب، فشار روانی و بروز رفتارهای ناسالم تحصیلی از جمله ثقلب ارتباط دارد.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که اضطراب با گرایش به ثقلب تحصیلی رابطه مثبت و معناداری دارد. این یافته نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که سطوح بالاتری از اضطراب را تجربه می‌کنند، بیشتر در معرض انتخاب راهبردهای اجتنابی و کوتاه‌مدت قرار می‌گیرند. اضطراب با کاهش تمرکز، اختلال در پردازش شناختی و افزایش نگرانی درباره پیامدهای عملکرد تحصیلی، می‌تواند توانایی فرد را در مواجهه مؤثر با تکالیف و امتحانات کاهش داده و زمینه گرایش به ثقلب را فراهم کند. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های پیشین همخوانی دارد که نشان داده‌اند سطوح بالاتر اضطراب تحصیلی می‌تواند با کاهش عملکرد تحصیلی و افزایش احتمال استفاده از راهبردهای ناسازگارانه همراه باشد.

از سوی دیگر، نتایج نشان داد که نشخوار فکری به‌تنهایی رابطه معناداری با ثقلب تحصیلی ندارد. این یافته نشان می‌دهد که صرف درگیری ذهنی با افکار تکراری و منفی لزوماً به بروز رفتار ثقلب منجر نمی‌شود. با این حال، نشخوار فکری در تعامل با اضطراب می‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری این رفتار داشته باشد؛ به گونه‌ای که در سطوح بالاتر اضطراب، درگیری ذهنی با افکار منفی و پیش‌بینی شکست افزایش یافته و احتمال گرایش به رفتارهای ناسازگارانه از جمله ثقلب تحصیلی بیشتر می‌شود. برخی پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند که نشخوار فکری به‌طور غیرمستقیم و از طریق افزایش هیجان‌های منفی مانند اضطراب و نگرانی می‌تواند بر رفتارهای ناسازگارانه اثر بگذارد.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر نقش تعدیل‌کننده اضطراب در رابطه بین کمال‌گرایی منفی و ثقلب تحصیلی بود. این نتیجه نشان می‌دهد که اضطراب می‌تواند شدت اثر کمال‌گرایی منفی بر گرایش به ثقلب را افزایش دهد؛ به این معنا که در سطوح بالاتر اضطراب، دانش‌آموزان کمال‌گرا بیشتر احتمال دارد برای اجتناب از شکست به ثقلب تحصیلی متوسل شوند. همچنین اضطراب در رابطه بین نشخوار فکری و ثقلب تحصیلی نیز نقش تعدیل‌کننده ایفا می‌کند؛ به‌طوری‌که در شرایط اضطراب بالا، تأثیر نشخوار فکری بر گرایش به ثقلب افزایش می‌یابد. این یافته



نشان می‌دهد که تقلب تحصیلی در این گروه از دانش‌آموزان حاصل تعامل پیچیده میان عوامل هیجانی و الگوهای شناختی ناسازگار است و با دیدگاه‌های نظری مطرح در حوزه روان‌شناسی تربیتی و روان‌شناسی شناختی همخوانی دارد.

به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری صرفاً یک مسئله آموزشی یا انضباطی نیست، بلکه با عوامل روان‌شناختی از جمله اضطراب و کمال‌گرایی منفی ارتباط دارد. بنابراین، دانش‌آموزانی که از اضطراب بالاتر و الگوهای کمال‌گرایانه ناسازگارانه برخوردارند، بیشتر در معرض گرایش به تقلب تحصیلی قرار می‌گیرند. بر این اساس، برنامه‌های پیشگیری و مداخله برای کاهش تقلب تحصیلی باید علاوه بر نظارت آموزشی، بر اصلاح مؤلفه‌های روان‌شناختی نیز تمرکز داشته باشند.

از نظر کاربردی، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اجرای برنامه‌های کاهش اضطراب، آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان، اصلاح باورهای کمال‌گرایانه ناسازگار و مدیریت افکار نشخوارگونه می‌تواند در کاهش گرایش به تقلب تحصیلی مؤثر باشد. به‌ویژه در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری که به دلیل تجربه‌های مکرر ناکامی تحصیلی آسیب‌پذیری بیشتری دارند، توجه به مداخلات روان‌شناختی و حمایت‌های آموزشی ضروری به نظر می‌رسد. همچنین آگاهی معلمان، مشاوران و والدین از نقش این عوامل می‌تواند در شناسایی زودهنگام دانش‌آموزان در معرض خطر و پیشگیری از بروز رفتارهای ناسازگارانه تحصیلی مؤثر باشد.

در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که کمال‌گرایی منفی و اضطراب از عوامل مهم در تبیین گرایش به تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری هستند و اضطراب می‌تواند شدت این رابطه را افزایش دهد. همچنین نشخوار فکری اگرچه به‌تنهایی پیش‌بینی‌کننده مستقیم تقلب نبود، اما در شرایط اضطراب بالا اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بنابراین، برای کاهش تقلب تحصیلی باید به جای تمرکز صرف بر پیامدهای رفتاری، بر مداخله در عوامل هیجانی و شناختی زیربنایی تأکید شود.

محدودیت‌های پژوهش

پژوهش حاضر نیز همانند سایر پژوهش‌های علوم رفتاری با محدودیت‌هایی همراه بود که لازم است در تفسیر و تعمیم نتایج مورد توجه قرار گیرد. نخست، این پژوهش بر روی دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری مقطع متوسطه اول شهر بوکان انجام شد؛ بنابراین تعمیم نتایج به سایر گروه‌های سنی، دانش‌آموزان عادی یا سایر مناطق جغرافیایی باید با احتیاط صورت گیرد. دوم، روش پژوهش از نوع همبستگی بود؛ ازاین‌رو امکان استنتاج رابطه علت و معلولی میان متغیرها وجود ندارد و تنها می‌توان درباره وجود رابطه و پیش‌بینی بین متغیرها اظهار نظر کرد. همچنین استفاده از ابزارهای خودگزارشی ممکن است تحت تأثیر تمایل آزمودنی‌ها به پاسخ‌دهی اجتماعی یا پنهان کردن رفتارهای واقعی، به‌ویژه در زمینه تقلب تحصیلی، قرار گرفته باشد.

از دیگر محدودیت‌های پژوهش می‌توان به کنترل‌نشدن برخی متغیرهای مداخله‌گر مانند وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده، شیوه‌های فرزندپروری، حمایت اجتماعی، پیشرفت تحصیلی و ویژگی‌های شخصیتی اشاره کرد که ممکن است بر گرایش به تقلب تحصیلی تأثیرگذار باشند. همچنین شرایط روانی و هیجانی دانش‌آموزان در زمان تکمیل پرسشنامه‌ها می‌توانست بر دقت پاسخ‌ها اثر

بگذارد. علاوه بر این، پژوهش حاضر به بررسی چند متغیر روان‌شناختی محدود شد و احتمال دارد عوامل دیگری نظیر عزت‌نفس، خودکارآمدی تحصیلی، انگیزش پیشرفت و مهارت‌های مقابله‌ای نیز در تبیین گرایش به تقلب تحصیلی نقش داشته باشند که در این مطالعه مورد بررسی قرار نگرفتند.

پیشنهادهای پژوهش

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده نقش سایر متغیرهای روان‌شناختی و خانوادگی مؤثر بر گرایش به تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری مورد بررسی قرار گیرد تا شناخت جامع‌تری از عوامل زمینه‌ساز این رفتار حاصل شود. همچنین انجام پژوهش‌های طولی و آزمایشی می‌تواند به تبیین دقیق‌تر روابط علی میان اضطراب، کمال‌گرایی منفی، نشخوار فکری و تقلب تحصیلی کمک کند. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابه در سایر مقاطع تحصیلی، شهرها و گروه‌های فرهنگی مختلف اجرا شود تا امکان مقایسه نتایج و افزایش قابلیت تعمیم یافته‌ها فراهم گردد. همچنین استفاده از روش‌های ترکیبی، از جمله مصاحبه و مشاهده در کنار پرسشنامه، می‌تواند به افزایش دقت داده‌ها و کاهش سوگیری پاسخ‌دهی کمک کند. از نظر کاربردی، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که لازم است مدارس و مراکز مشاوره برنامه‌هایی در زمینه کاهش اضطراب، آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان و اصلاح باورهای کمال‌گرایانه منفی برای دانش‌آموزان طراحی و اجرا کنند. همچنین برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای والدین و معلمان در زمینه شناسایی نشانه‌های اضطراب و رفتارهای ناسازگارانه تحصیلی می‌تواند در پیشگیری از گرایش به تقلب مؤثر باشد. علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود مشاوران مدارس توجه بیشتری به وضعیت روان‌شناختی دانش‌آموزان دارای اختلالات یادگیری داشته باشند و با آموزش مهارت‌های مقابله‌ای، مدیریت استرس و افزایش خودکارآمدی تحصیلی، زمینه کاهش رفتارهای ناسازگارانه از جمله تقلب تحصیلی را فراهم سازند.

منابع

- بدلی، ع. (۱۴۰۴). اختلالات یادگیری دانش‌آموزان. در *اولین همایش بین‌المللی پژوهش‌های نوپدید در روانشناسی و علوم تربیتی*، اهواز.
- گل‌مکانی، م. (۱۴۰۴). نقش کمال‌گرایی بر اضطراب امتحان در دانش‌آموزان. در *چهارمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی تکاملی و تربیتی*، بندرعباس.
- نخستین، ر.، پرچمی، د.، شهری، م.، و سلندری، ف. (۱۴۰۴). بررسی رابطه کمال‌گرایی تحصیلی، اضطراب امتحان و رفتارهای اجتنابی دانش‌آموزان. در *اولین همایش بین‌المللی افق‌های تازه در روانشناسی یادگیری و آموزش و پرورش از دید معلم*، ارومیه.
- اسماعیلی، م.، و مرادی، ن. (۱۴۰۳). پیش‌بینی رفتارهای تقلبی براساس کمال‌گرایی منفی و اضطراب تحصیلی در دانش‌آموزان با اختلال یادگیری. *مجله علمی-پژوهشی آموزش و اصلاح*، 14 (1)، 35-52.
- بروکانلو مادلو، آ. (۱۴۰۳). بررسی علل تقلب تحصیلی در دانش‌آموزان پایه پنجم و ششم ابتدایی. *مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی*، 7 (69).



- بیراتی‌پور، ف. (۱۴۰۳). جستاری در تاثیر ثقلب کردن دانش‌آموزان بر فرایند تحصیل آن‌ها. در چهارمین همایش بین‌المللی علوم تربیتی، مشاوره، روانشناسی و علوم اجتماعی، همدان.
- حسن‌نژاد، ی.، سهرابی، ه.، بارانی، آ.، و کرد، ع. (۱۴۰۳). بررسی انگیزه‌های دانش‌آموزان برای ثقلب در امتحانات و راهکارهای مقابله با آن. در اولین همایش بین‌المللی تحولات نوین در علوم تربیتی، روانشناسی و آموزش و پرورش، ارومیه.
- رضوی رضائی، ش.، پورحمزه، ش.، و فاضل‌نیا، آ. (۱۴۰۳). بررسی علل ثقلب در امتحانات و راه‌های پیشگیری آن. در اولین همایش بین‌المللی تحولات نوین در علوم تربیتی، روانشناسی و آموزش و پرورش، ارومیه.
- کاظمی، ع.، و مرادپور، ن. (۱۴۰۳). اثر کمال‌گرایی منفی و اضطراب بر تمایل به رفتارهای پرخطر تحصیلی با تأکید بر نقش نشخوارفکری. پژوهشنامه روان‌شناسی تربیتی، 17 (2)، 74-50.
- مرادی، ر.، منعمی، ا.، و عروجی، ف. (۱۴۰۳). تاثیر عوامل زمینه‌ای در ثقلب تحصیلی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی مدرسه پسرانه امام حسین (ع) در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲. در اولین همایش بین‌المللی افق‌های نوین در آموزش و پرورش در هزاره سوم، بوشهر.
- نجاری، ف.، ثروت، خ.، نایب‌زاده گاوگانی، ن.، و روان‌خواه، س. (۱۴۰۳). رابطه کمال‌گرایی و نشخوار فکری و ذهنی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان. در پنجمین کنفرانس بین‌المللی سلامت، علوم تربیتی و روانشناسی.
- حسینی، م.، و همکاران. (۱۴۰۲). نقش تعدیلگر اضطراب در رابطه بین کمال‌گرایی منفی و نشخوارفکری با گرایش به ثقلب تحصیلی در دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری. نشریه مطالعات روان‌شناسی تربیتی، 14 (2)، 78-59.
- کریمی، ع.، و شریفی، م. (۱۴۰۲). رابطه اختلال یادگیری، راهبردهای هیجانی و تخلفات تحصیلی در دانش‌آموزان پایه هشتم. مجله روان‌شناسی، 23 (2)، 264-250.
- موسوی، ف.، برجعلی، ف.، و عابدی، م. (۱۴۰۲). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه کوتاه پرسشنامه نشخوار فکری در دانش‌آموزان دبیرستانی. فصلنامه علوم شناختی، 24 (3)، 58-42.
- نوری، ف.، و همکاران. (۱۴۰۲). نقش اضطراب به‌عنوان تعدیلگر در رابطه نگرش به ثقلب و مهارت‌های مقابله‌ای. نشریه روان‌شناسی اجتماعی، 14 (1)، 40-22.
- نوری، م.، عباسی، س.، و مرادپور، ص. (۱۴۰۲). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه کوتاه پرسشنامه اضطراب کودکان SCARED در نمونه‌ای از دانش‌آموزان ایرانی. فصلنامه روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان ایران، 10 (2)، 91-77.
- تاج‌بخش، م.، و رستمی، ر. (۱۴۰۱). تأثیر آموزش تنظیم هیجان بر اضطراب و رفتارهای تحصیلی پرریسک دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری. مجله آموزش و سلامت کودک، 10 (1)، 78-65.
- رامین‌فر، س.، و یوسفی، م. (۱۴۰۱). بررسی رابطه ابعاد کمال‌گرایی با رفتارهای ناهنجار تحصیلی در حضور اضطراب. فصلنامه آموزش و ارزشیابی، 10 (3)، 124-105.
- صبوری، س.، و همکاران. (۱۴۰۱). نقش عملکرد اجرایی، اضطراب و نشخوارفکری در پیش‌بینی رفتار ثقلب تحصیلی دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری. مجله روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، 14 (2)، 129-110.

- محمدی، س.، و عابدی، ع. (۱۴۰۱). رابطه ابعاد کمال‌گرایی، اضطراب و نشخوارفکری با تمایل به قلب در نوجوانان. پژوهش نوین در علوم تربیتی، 17 (4)، 89-105.
- ندری، س.، دل‌آذر، س.، و مرادپور، ص. (۱۴۰۱). ساخت و اعتباریابی نسخه کوتاه مقیاس کمال‌گرایی منفی در بین دانش‌آموزان متوسطه. پژوهشنامه روان‌شناسی نوین، 18 (2)، 15-30.
- امینی، ز.، و فراهانی، س. (۱۴۰۰). پیش‌بینی رفتارهای قلب تحصیلی براساس سبک‌های مقابله‌ای و ویژگی‌های فردی در نوجوانان دارای اختلال یادگیری. مجله پژوهش در آموزش و یادگیری، 14 (2)، 211-223.
- امید، ع.، و سالاری، ف. (۱۴۰۰). اثر نشخوارفکری شناختی و اضطراب در بروز رفتارهای قلبی در دبیرستان‌های ارومیه. مجله روان‌شناسی کاربردی، 12 (3)، 185-202.
- موسوی، ب.، و قاسمی، ن. (۱۴۰۰). نقش اضطراب، نشخوارفکری و کمال‌گرایی در پیش‌بینی گرایش به قلب تحصیلی دانش‌آموزان دارای مشکلات یادگیری ویژه. پژوهش‌های تربیتی، 12 (2)، 129-146.
- برجعلی، ب.، و عابدی، ر. (۱۳۹۹). نقش ویژگی‌های شخصیتی و اضطراب در پیش‌بینی نشخوارفکری دانش‌آموزان دوره اول متوسطه. مجله علم‌پروری روان‌شناسی بالینی، 11 (3)، 45-60.
- حمیدی، م.، و سبحانی‌نژاد، م. (۱۳۹۹). نقش محیط مدرسه و اضطراب در قلب تحصیلی: نقش واسطه‌ای نشخوارفکری. فصلنامه آموزش و ارزشیابی، 13 (4)، 44-59.
- گودرزی، ک.، سلیمانی، ع.، و قلعه‌بانی، ا. (۱۳۹۷/۱۴۰۰). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه نشخوارفکری دانش‌آموزان. مطالعات روان‌شناسی، 13 (3)، 27-47.
- ابراهیمی، م.، و علوی، س. (۱۳۹۳). اعتباریابی مقیاس گرایش به قلب تحصیلی در دانش‌آموزان ایرانی. پژوهش‌های تربیتی، 20 (1)، 50-65.
- Ahmadi, M., & Najafali Ghandehari, N. (2023). The mediating role of social support in the relationship between perfectionism and social self-efficacy. *Journal of Psychological Researches in Management*, 9(1), 201-224.
- Abbasi, M., & Gheirati, S. (2022). The relationship between mental depression, depressive symptoms, and anxiety in children with special learning disorders mediated by parental stress. *Journal of Learning Disabilities*, 11(4), 46-61.
- Aro, T., Eklund, K., Eloranta, A.-K., Ahonen, T., & Rescorla, L. (2022). Learning disabilities elevate children's risk for behavioral-emotional problems: Differences between LD types and gender. *Journal of Learning Disabilities*, 55(3), 180-192.
- Afshar, M., Saeed, A. A., & Naderi, S. (2020). The relationship between cognitive emotion regulation, academic stress, and academic dishonesty in students with special learning disabilities. *Educational Psychology Research*, 41(3), 289-307.
- Amstad, M., & Müller, C. M. (2020). Students' problem behaviors as sources of teacher stress in special needs schools for individuals with intellectual disabilities. *Frontiers in Education*, 4, 159.
- Arabi, Z., Moghaddam, L. F., & Sahebalzamani, M. (2020). The effect of emotion regulation training on family relationships of hyperactive children. *Journal of Education and Health Promotion*, 9, 101.